

هنجارگریزی‌های، بیانی، بدیعی و معانی در کشف الاسرار میبیدی مریم نجفی^۱، مظاهر نیکخواه^۲، اصغر رضاپوریان^۳

چکیده

نویسنده کشف الاسرار در بخش سوم (التوبه الثالثه) این کتاب به بیان نکات عرفانی خصوصاً به نقل از استاد خود خواجه عبدالله انصاری می‌پردازد و عموماً در این بخش زیبایی نثر فارسی به چشم می‌آید. آنچه بیش از همه، زیبایی نثر این تفسیر گران‌بها را به نمایش می‌گذارد، ویژگی‌های ادبی این اثر است که در سه مقوله معانی، بیان و بدیع مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هدف این پژوهش، دست یافتن به ویژگی‌های منحصر به فرد سبکی میبیدی و نیز خصیصه‌های ادبی تفسیر کشف الاسرار است. در این پژوهش در بحث سبک‌شناسی نیز تمرکز بر روی هنجارگریزی است زیرا نمونه‌های نابیی از هنجارگریزی معنایی و نحوی در کشف الاسرار مشاهده می‌شود که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که در ویژگی‌های ادبی کشف الاسرار به ترتیب، بدیع، بیان و معانی از گستره زیادی برخوردار هستند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، کشف الاسرار، نوبت سوم، ویژگی‌های ادبی، زبان.

مقدمه

به‌طور کلی، کشف‌الاسرار دارای اکثر خصوصیات دستوری و سبک‌نویسندگی نثرهای پیش از قرن ششم است. کلام میبیدی در تفسیر کشف‌الاسرار، روان و منسجم و در بسیاری از موارد به شیوه سخنان استاد او خواجه عبدالله انصاری، موزون و مصفا یا مسجع است. وی در تفسیر مشهور خود به اقوال و سخنان بزرگان، اشعار عربی و فارسی، احادیث قدسی و نبوی و امثال و حکم عربی و فارسی استشهد کرده و متناسب با موضوع مورد بخشش، داستان‌های مختلف تاریخی و مذهبی را نقل نموده است.

با توجه به تحلیل عناصر شعر و جایگاه عنصر «زبان» در بحث‌های زیبایی‌شناسی زبان‌شناسان و نیز با توجه به برجستگی و هنجارگریزی‌های معنایی، زبانی و شگفتی‌های ناشی از هیجاناناطفی و تجربیات روحانی میبیدی در تحلیل و بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناسی تفسیر کشف‌الاسرار، باید در جستجوی عناصر شاعرانه‌ای باشیم که به واسطه بسامد زیادشان، زبان اثر را برجسته و ادبی و برخوردار از جنبه‌های زیبایی‌شناسی کرده‌اند. دسته‌ای از این عناصر عبارتند از: صور گوناگون خیال و شگردهای مرتبط با موسیقی کلام و دسته‌ای دیگر، شگردهای برخاسته از جنبه‌های بلاغی زبان که عملکردشان روی محور هم‌نشینی به‌گونه‌ای است که زبان اثر و در نتیجه معنای کلام را از برجستگی، غرابت و شگفت‌انگیزی خاصی برخوردار کرده‌اند و در مباحث زبان‌شناسی، می‌توان آن‌ها را با عنوان کلی «هنجارگریزی» مطرح کرد. شگردهایی مانند خلاف آمد، غافلگیری، عکس، متناقض‌نما، ساخت‌های نحوی غیرمتعارف، حس‌آمیزی، اسناد مجازی و ... با توجه به تحقیقات به عمل آمده، شگردهای یادشده در نوبت سوم کشف‌الاسرار نمود بیشتری دارند که در رساله حاضر به هرکدام از آن‌ها پرداخته می‌شود. «آنچه بیش از هر چیز در نتیجه تحقیق در سبک ادبی بخش سوم کشف‌الاسرار به چشم می‌خورد، کشف توازن‌های بسیار موسیقایی (لفظی و معنوی) در بندبند این پیکره نگارین است؛ توازن‌ها و نگارگری‌هایی از نوع سجع، جناس، تناسب و طباق و ... حال آن‌که با تأملی ژرف‌تر درمی‌یابیم که حضور شیوه‌ها و شگردهای تازه‌تر اما پنهانی است که افزون بر شیوه‌های پیدای قاعده‌افزایی، سبب سحرانگیزی و دلربایی هرچه بیشتر نثر میبیدی شده است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۷۴)

میبیدی در تفسیر کشف‌الاسرار که بنایش بر اطناب توأم با آرایش سخن است، به مقدار زیادی از دو هنر ادبی (تشبیه و استعاره) استفاده کرده و «با ایجاد تشبیه‌های بی‌سابقه و استعاره‌های زیبای دلکش، نثری شیرین و ادیبانه به وجود آورده است، چنانکه خواننده، گاه خود را با شاعری خیال‌انگیز دمساز می‌بیند نه مفسری متقشف و می‌پندارد که قطعه ادبی رنگارنگی می‌خواند نه گزارش آیات و احادیث.» (رکنی، ۱۳۷۲: ۲۳۴) این خصوصیت بیشتر در مواردی است که میبیدی به آوردن اضافه‌های تشبیهی و استعاری مکرر می‌پردازد و شواهدش در نوبت سوم فراوان است. بدین

جهت در پژوهش حاضر سعی گردیده است، بارزترین صور خیال در نوبت سوم کشف‌الاسرار استخراج شده تا تأثیر آن بر کلام میبیدی آشکار گردد.

لذا به‌طور کلی در این مقال ما بر آنیم تا به‌صورت تخصصی به بررسی نکات ادبی کشف‌الاسرار خواجه میبیدی پرداخته و ویژگی‌های کلام میبیدی را در این سطح، بیان کنیم.

پیشینه تحقیق

در این بخش به برخی از پژوهش‌های انجام شده در خصوص کشف‌الاسرار میبیدی پرداخته می‌شود: آموزگار، حبیب‌الله، (۱۳۸۱)، خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید به فارسی از کشف‌الاسرار ده‌جلدی، تهران: اقبال.

اصل این اثر از خواجه عبدالله انصاری و شرح آن از ابوالفضل میبیدی است که در ۱۰ جلد منتشر شده و کتاب حاضر در ۲ جلد خلاصه‌ای از اثر مذکور است. جلد اول این کتاب شامل تفسیر ادبی و عرفانی و ترجمه و تفسیر لفظی سوره‌های ((احزاب)) تا ((ناس)) است. در تفسیر سوره‌ها سخنان پیامبران و پیشوایان دین، عارفان و پیران طریقت و داستان‌های عرفانی و تاریخی نیز بیان شده است. نویسنده در این کتاب نکات کلی ادبی، عرفانی و تفسیری کشف‌الاسرار را بیان نموده و از شرح و بسط نکات ادبی پرهیز نموده است.

- رکنی یزدی، محمدمهدی، «فوائد لغوی تفسیر کشف‌الاسرار»، مجله جستارهای ادبی، ۱۳۵۰، شماره ۲۷.

با توجه به اهمیت و فوایدی که تفسیر کشف‌الاسرار از جنبه ادبی و لغت‌آموزی دارد و از آنجایی که یکی از بخش‌های پژوهش ما درباره ویژگی‌های زبانی و ادبی این تفسیر است، این مقاله می‌تواند در پژوهش ما مورد استفاده قرار گیرد.

- دشتی، مهدی، «تأملی دوباره در تفسیر کشف‌الاسرار میبیدی»، مجله علوم قرآن و حدیث: سفینه، ۱۳۸۲، شماره یکم.

مهدی دشتی در این مقاله، از نوبت اول یک بحث ادبی (گونه هروی)، از نوبت دوم، یک بحث تاریخی - روایی و از نوبت سوم، یک بحث کلامی (تأویل‌های عرفانی) را برگزیده و به بحث گذاشته است. مبحث ادبی این مقاله یعنی گونه هروی در پژوهش ما قابل استفاده است.

کیلر، آنابل، (۱۳۸۶)، هرمنوتیک صوفیانه در تفسیر کشف‌الاسرار میبیدی؛ ترجمه جواد قاسمی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

این کتاب تحلیل و بررسی یکی از شیواترین تفسیرهای عرفانی به زبان فارسی، تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار رشیدالدین میبیدی، مفسر قرن ششم هجری است و به‌طور عمده جنبه هرمنوتیکی یا روش خاص تفسیری - تأویلی و صوفیانه قرآن را از دیدگاه رشیدالدین میبیدی مورد بررسی قرار می‌دهد.

هدف نویسنده پرداختن به دو جنبه هرمنوتیک و آموزه‌های قرآنی و تأثیر متقابل این دو در نوشتن تفسیری عرفانی بر قرآن است و به پیوند میان آیات قرآنی، تجربه عرفانی و زبان تفسیر توجه خاصی دارد. وی در این اثر در کنار قرآن و بهره‌گیری از سخنان صوفیان، به احادیث نیز استناد می‌جوید و می‌کوشد، نشان دهد که چگونه میبیدی از اسرار باطنی قرآن پرده برداشته و حقایق عرفانی آن را کشف کرده است.

میبیدی در تفسیر خود، به ظاهر آیات و روایات هم توجه دارد و تفسیرش در واقع آمیخته‌ای از روش روایی و صوفیانه است. او اساس تفسیر خود را بر پایه زبان تمثیلی عرفانی قرار می‌دهد و دریافت معانی حقیقی قرآن را از این راه ممکن می‌داند. آنابل کیلر نویسنده این کتاب، بعضی از آثار دیگر عرفانی به زبان عربی و فارسی را هم در حاشیه بحث‌هایش پیرامون هرمنوتیک صوفیانه مد نظر داشته و تحقیقی جامع به عمل آورده است.

کیلر در تحلیل‌های خود، بحث‌هایی تطبیقی نیز دارد و اندیشه‌های میبیدی را با برخی دیگر از صوفیان پیش از او و حتی با سنت‌های مسیحی و یهودی می‌سنجد و از پژوهش محققان غربی بهره می‌برد و به آن‌ها استناد می‌کند.

معرفی کشف الاسرار

تفسیر کشف الاسرار و عده‌الابرار تألیف امام احمد میبیدی از بزرگ‌ترین و حجیم‌ترین کتب تفسیری است که بر طریقه عرفانی و مشرب صوفیانه است که به زبان فارسی در ده جلد در بهترین سبک و زیباترین عبارات ادبی مستحکم نوشته شده است. این تفسیر بر اساس تفسیر خلاصه خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱ هـ) توسط امام سعید رشیدالدین ابوالفضل ابن ابی سعید، احمد ابن محمد ابن محمود میبیدی در سال ۵۳۰ هجری قمری به زبان فارسی تألیف گردید. شاید بتوان علت تألیف این تفسیر را به زبان فارسی توسط میبیدی در فتوای خواجه عبدالله انصاری در تفسیر آیه ۴ سوره مبارکه ابراهیم دانست که خواجه با اشاره به آیه «و ما أرسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً» عنوان می‌نماید که تبلیغ به هر قومی به زبان آن قوم جایز است. (میبیدی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۲۳). در این کتاب، آیات به روش عارفان و صوفیان تأویل می‌شود و کلمات قصار و سخنان صوفیان معروفی چون بایزید، شبلی، جنید، خواجه عبدالله، ابراهیم آدهم، سفیان ثوری، ذوالنون مصری، عبدالله مبارک و حسن بصری و... نقل می‌گردد با این وجود نویسنده بیش از همه به نقل سخنان خواجه عبدالله انصاری می‌پردازد. از ویژگی‌های این تفسیر وجود آرای شافعی در تفسیر آیات الاحکام است که نشان از گرایش مذهبی میبیدی به اقوال شافعی است ولی آنچه در این تفسیر بیش از هر چیزی خودنمایی می‌کند، به تعبیر علامه معرفت (معرفت، ۱۳۷۹: ۷۹) به کار بردن واژگان سیره و اصیل فارسی در آن است که نشان دهنده توان ادبی و گستره آگاهی وی بر زبان فارسی کهن است.

سبک‌شناسی ادبی کشف الاسرار میبیدی

ویژگی‌های ادبی هر اثر را می‌توان در سه مقوله معانی، بیان و بدیع مورد بررسی قرار داد. کشف‌الاسرار میبیدی نیز به‌عنوان یک اثر تفسیری که جنبه ادبی آن درخور توجه و تأمل است، در سه بخش معانی، بیان و بدیع نکات ارزنده و مورد توجهی دارد.

با توجه به برجستگی‌های معنایی و زبانی و شگفتی‌های ناشی از هیجانات عاطفی و تجربیات روحانی میبیدی، در تحلیل و بررسی جنبه‌های زیباشناختی بخش سوم کشف‌الاسرار، باید در جست‌وجوی عناصر شاعرانه‌ای بود که به واسطه بسامد و کاربرد زیادشان، زبان اثر را از نظر ادبی برجسته و برخوردار از جنبه‌های زیبایی‌شناختی کرده‌اند. دسته‌ای از این عناصر عبارتند از: صور گوناگون خیال و شگردهای مرتبط با موسیقی کلام که با توجه به این که عملکرد آن‌ها بر محور جان‌نشینی کلام است و در مباحث زبان‌شناسی، قاعده‌افزایی به شمار می‌آید، جزو شگردهای سنتی قرار گرفته و به آن‌ها پرداخته نمی‌شود. دسته‌ای دیگر، شگردهای برخاسته از جنبه‌های بلاغی زبان هستند که عملکردشان بر محور هم‌نشینی به‌گونه‌ای است که زبان اثر (و در نتیجه معنای کلام) را از برجستگی، غرابت و شگفت‌انگیزی خاصی برخوردار کرده‌اند و در مباحث زبان‌شناسی می‌توان آن‌ها را با عنوان کلی «هنجار‌گریزی» مطرح کرد. البته باید توجه داشت که بسیاری از جمله‌های ادبی و زیبایی این اثر برگرفته از کلام شورانگیز دیگر مشایخ طریقت چون شبلی، بایزید بسطامی، جنید، حلاج و... و به‌ویژه خواجه عبدالله انصاری است که طبع ظریف میبیدی را به خود معطوف کرده و آن‌ها را در اثر خود جای داده است. بر این اساس به شرح این ترفندها از مجلدات ده‌گانه کشف‌الاسرار پرداخته می‌شود.

هنجار‌گریزی و انواع آن در کشف‌الاسرار

الف) هنجار‌گریزی معنایی

خلاف‌آمد

«خلاف انتظار» مبحثی عام و کلی است که می‌تواند مبنای بسیاری از شگردها مانند عکس، پارادوکس، استثنای منقطع و... باشد، اما منظور از «خلاف‌آمد» به عنوان یک ترفند خاص این است که گوینده در سخن خود نکته‌ای، مضمونی، تصویری و... برخلاف آنچه ذهن در حالت عادی و معمولی به آن خو کرده، بیاورد و آن، با چیزی که از نظر عقلی، عرفی، شرعی و... پذیرفته شده است، ناسازگار باشد (راستگو، ۱۳۶۸: ۲). برای مثال، گرفتن دیه از قاتل امری عادی و معمولی است، اما وارونه شدن این موضوع، یعنی گرفتن دیه از مقتول (آن‌گونه که در نمونه زیر می‌خوانیم) از آن‌جا که ناسازگار با مسائل شرعی و... است، از نمونه‌های «خلاف‌آمد» است:

«عجب کاری است کار دوستی! و بلعجب شرعی است شرع دوستی! هر کشته را در عالم قصاص است یا دیت بر قاتل واجب و در شرع دوستی هم قصاص است و هم دیت و هر دو بر مقتول واجب.» (میبیدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۷۹) علت وجود این خلاف آمده‌ها در کلام صوفیه را می‌توان برخاسته از جهان‌بینی آن‌ها دانست. در این جهان‌بینی فرد هرچه به عادت نزدیک شود، از حقیقت

دورتر می‌گردد و با شکستن عادت‌ها می‌تواند به حقیقت نزدیک شود. از آن‌جا که «بینش‌های عارفانه و باورهای صوفیانه همه در ساحتی فراتر از شناخت عرف و عقلی قرار دارند» (نفیسی، ۱۳۶۸: ۶۵)، ذهن عوام قادر به درک صحیح آن‌ها نبوده و آن‌ها را «خلاف‌آمد» عقل و عرف و عادت می‌داند؛ اما این جز با جوانمردان طریقت و راضیان حضرت نرود و جز حال ایشان نبود که اندوه عشق دین به جان و دل خزند، هر چه دارند فدای درد و غم خویش کنند.

غافلگیری

یکی از نکات قابل توجه در بحث «خلاف‌آمد» رابطه نزدیک و نامحسوس آن با اصل «غافلگیری» است. مبنای بسیاری از شگردهای ادبی را غافلگیری دانسته‌اند و گاهی به جای این اصطلاح و یا در کنار آن از اصطلاح «خلاف انتظار» استفاده شده است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۱: ۹۴)، حال آنکه با دقت نظر و تأمل در شواهد، می‌توان نمونه‌هایی یافت که اگرچه «خلاف انتظار» هستند، اما زیبایی آن‌ها بیشتر در غافلگیری‌شان نهفته است؛ بدین معنی که «در غافلگیری با خلاف عرف و عقل و شرع و ... رو به رو نیستیم، بلکه سیر کلام به گونه‌ای است که خواننده با پیش رفتن در متن یک دفعه متعجب و غافلگیر می‌شود.» (راستگو، ۱۳۶۸: ۸۹) بنابراین، شاید بتوان غافلگیری را در کنار خلاف‌آمد، به عنوان یک شگرد خاص مطرح کرد و این نیازمند تحقیقی مفصل و گردآوری شواهد خلاف‌آمد و غافلگیری از آثار گوناگون و مقایسه آن‌ها با یکدیگر است.

عکس

در این ترفند، معنا عکس، بدیع و شگفت‌انگیز می‌شود، حتی گاهی مُهْمَل به نظر می‌رسد، اما پس از تأمل در آن مشخص می‌شود که نه تنها مُهْمَل نیست، بلکه بدیع و شگفت است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۱: ۱۰۷). به عنوان نمونه «زیور» سبب آراستن خوب‌رویان است، اما سعدی برای اینکه زیبایی معشوق خود را نشان دهد، این اصل را وارونه کرده و با استفاده از شگرد عکس و در قالب کلامی غیرمنتظره می‌گوید:

به زیورها بیارایند وقتی خوب‌رویان را تو سیمین‌تن چنان خوبی که زیورها بیارایی
(سعدی، ۱۳۶۵: ۵۴۴)

عکس معنا با جا به جایی ارکان نحوی امکان‌پذیر است، به طور مثال در این نمونه، عکس حاصل جا به جایی مفعول و متمم است:

«اگر کسی تو را بطلب یافت، من خود طلب از تو یافتم.» (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۵۶۰)
بنابراین، «عکس معنا به‌ویژه زمانی بدیع و شگفت‌انگیز می‌شود که بر زبان و ساخت آن تأثیر گذاشته و در قالب جمله‌ها و عباراتی عکس یکدیگر ظاهر می‌شود. در عکس گاهی یک قاعده ذکر می‌شود و سپس عکس آن می‌آید.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۱: ۱۰۹) به عنوان نمونه: «همه چیز تا نجویی، نیایی و حق را تا نیایی، نجویی.» (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۵۶۰)

متناقض‌نما

تعریف‌های گوناگون و مشابهی از متناقض‌نما وجود دارد که برای پرهیز از به درازا کشیدن کلام به ذکر آن‌ها پرداخته نمی‌شود، اما نتیجه آن‌ها می‌توان در این تعریف استنتاج نمود: متناقض‌نما، بیان یا اندیشه‌ای است که در نگاه نخست متناقض با عرف به نظر می‌رسد و بدین ترتیب سبب برجستگی لفظ و معنا و در نتیجه تأمل و تهییج مخاطب می‌گردد، حال آنکه دارای ژرف ساختی حقیقی است که با تفسیر و تأویل به دست می‌آید.

هنجار‌گریزی نحوی

با بررسی کشف‌الاسرار می‌توان به نمونه‌هایی از انواع هنجار‌گریزی واژگانی، نحوی، معنایی، سبکی و باستان‌گرایی دست یافت که از میان آن‌ها هنجار‌گریزی نحوی در این اثر دارای بسامد بیشتری است. این نوع هنجار‌گریزی را می‌توان در صورت‌های گوناگون مشاهده کرد، از جمله: به هم زدن ترتیب عادی اجزای جمله، تجزیه فعل مرکب، باستان‌گرایی نحوی و ...، اما دایره شمول و بسامد دو نوع به هم زدن ترتیب عادی اجزای جمله و ساخت‌های نحوی غیرمتعارف بیشتر است که در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد:

برهم زدن ترتیب عادی اجزای جمله

این نوع هنجار‌گریزی، گریز از قواعد حاکم بر نحو زبان هنجار است که «گوینده با جا به جا کردن سازه‌های تشکیل دهنده جمله و ترتیب معمول ارکان، زبان خود را نسبت به زبان هنجار برجسته می‌کند. اگرچه آرایش سازه‌ها در زبان فارسی کم و بیش آزاد است، اما ساخت غالب در این زبان ساخت فاعل، مفعول (متمم)، فعل است.» (نفیسی، ۳۶۸: ۶۴) این ترتیب در شعر بیشتر به واسطه ضروریات وزنی به هم می‌خورد، اما این مسأله در نثر به‌گونه‌ای دیگر است: از جمله، آوردن فعل در اول جمله - که متأثر از ساخت جمله‌های عربی است - با رعایت شرط بلاغت، موجب حصر و تأکید می‌شود. یا اینکه آوردن فعل در میانه جمله به کلام رنگ و بوی زبان گفتار می‌دهد و موجب این تصور می‌شود که فکر در میانه جمله‌پردازی و در «گنش کلامی» کامل شده است و همین حالت شاداب و زنده‌ای می‌آفریند و تصویری از خودجوشی و خودانگیختگی اندیشه ایجاد می‌کند. (احمدی، ۳۷۹: ۱۲۹)

در بسیاری از نمونه‌های هنجار‌گریزی نحوی در کشف‌الاسرار، تأثیر ساخت آیات قرآن را می‌توان مشاهده کرد. به طور مثال این جمله: «آنک آمد به شما موعظتی از خداوند شما» (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۴: ۳۱۳) که ترجمه‌ای است از این آیه: «قَدْ جَاءتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (یونس، ۱۰: ۵۷)

ساخت‌های نحوی غیرمتعارف

آنچه در نگاه نخست به این اثر جلب توجه می‌کند، ساخته‌ای زیبای جمله‌های آن است. این زیبایی را می‌توان ناشی از دو عامل تکرار موسیقایی کلمات و نحوه ترکیب و ساختمان ساخت‌ها دانست؛ تکرار موسیقایی کلمات که به وجود آورنده سجع است، حاصل توجه به محور جانشینی کلام است که در آن حرفی یا کلمه‌ای انتخاب می‌شود که برای تکمیل موسیقی کلام مفید باشد؛

«حال آن‌که منظور از ساخت، توجه به محور هم‌نشینی و رابطه کلمات در ترکیب کلام است» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۷۸) البته این دو تکرار «تکرار موسیقایی کلمات (سجع) و (ساخت)» گاهی با هم آمیخته می‌شوند، به طور مثال در این نمونه:

و بدانک سالکان راه عبودیت سه مردند: یکی عابد، نفس وی مقهور خوف عقوبت. یکی عارف، دل وی مقهور سطوت قربت. یکی مُحِب، جان وی مقهور کشف حقیقت (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۵۰)

در نمونه بالا واژگان «عقوبت» و «قربت» و «حقیقت» دارای سجع مطرف هستند و در عین حال اجزای این سه جمله با هم نوعی توازن در ساخت دارند. نه توازن واژگان؛ به عبارت دیگر، هر سه جمله از نهاد و گزاره تشکیل شده‌اند. یکی از نکات قابل توجه در تمایز سجع از این‌گونه ساخت‌ها این است که در سجع پایانه جملات یکسان است، اما در این ساخت‌ها، گاه تمام اجزا قصد دارند مشابه جلوه کنند.

استفاده متفاوت از ضمای متصل

- «به معرفت خودشان راه داد» (همان: ۲/۵۹)؛ یعنی: به معرفت خود، ایشان را راه داد.
- «می‌گوید اگر دوستانید پس چراتان به گناهان بگیرد و عذاب کند» (همان: ۳/۸۷).
- جا به جایی صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه
- «هر که برابر افتد آمین وی با آمین گفتن فرشتگان، گذشته گناه وی بیامرزد» (همان: ۱/۲۳).
- «یحبههم و یحبونه عظیم کاری و شگرف بازاری که آب و خاک را بر آمد که قبله دوستی حق گشت» (همان: ۳/۸۵۵).

معانی، بیان و بدیع

۱- معانی

موضوع علم معانی الفاظ عربی و فارسی است از حیث افاده معانی دومی که متکلم بلیغ از کلام مطابق با مقتضای حال اراده می‌کند. (رجائی، ۱۳۷۹: ۲۱)؛ یعنی از جملاتی که بدون قرینه لفظی در معنای غیرحقیقی خود به کار می‌روند، بحث می‌شود. جمله امری «برف را ببین» در معنای اخبار به کار رفته است؛ زیرا اخبار از امر مؤثرتر است. (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۳) و هدف سخن ادبی، بلاغت یا مؤثر کردن کلام است.

ممکن است مخاطب در برابر سخن، حالات متفاوتی داشته باشد؛ مانند: «آگاهی»، «بی‌خبری»، «شتاب‌زدگی»، «علاقه‌مندی» و ... که هرکدام از این احوال، نویسنده را بر آن می‌دارد که سخنش را کوتاه (ایجاز)، بلند (اطناب)، خلاصه (اجمال) و مختصر، مؤکد و مکرر آورد. انشا (امر و نهی) استفهام (ندا)، خبر، اسناد و حذف نیز از اقتضاها و نمودهای سخن می‌باشند که با عنوان علم معانی مشخص شده‌اند. میبیدی به‌دقت صاحب وحی در این باره به نیکی توجه کرده است که شواهدی برای نمونه آورده شده است:

اشکال خبر در تفسیر میبیدی به معنی امر، نهی، استخبار (به معنی اخبار) مشاهده می‌شود بینیم: آیه ۱۱۲ آل عمران درباره یهودان بنی قریظه می‌فرماید: «ضَرِبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ اِنَّ مَا تَقْفُوا الْاِ بِحَبْلِ مِنَ اللّٰهِ...»

در ذیل آیه این خبر را به معنی امر می‌داند که جهودان را همیشه خوار دارید و نیز در آیه ۱۰۶ سوره مانده «شهاده بینکم... اذا حضر أحدکم الموت» می‌نویسد: «به لفظ خبر گفت اما به معنی امر است، یعنی یشهد اثنان ذوا عدل منکم»

در تفسیر سوره بقره آیه ۳۸ «... فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ...» می‌آورد: این «لاخوف» هرچند در لفظ خبر است اما به معنی نهی است. ای لاتخافوا و لاتحزنوا ...

و هم چنان است در آیه ۱۹۷ بقره: «ان الذين كفروا سواءٌ عليهم ءأندرتهم ام لم تُنذرهم لا يؤمنون» که: أندرتهم ظاهراً کلمه استخبار است اما به معنی اخبار و می‌گوید: سواءٌ عليهم الانذار و ترک الانذار.

انشا سخنی است که با ایراد آن اندیشه و طرح کاری به صورت طلبی یعنی امر یا نهی، نفرین، ندا و غیر طلبی: آرزو، حسرت، سوگند، ستایش، ذم، نکوهش، استفهام و ایجاد مطرح می‌شود و انشا «کلامی است که بالذات محتمل صدق و کذب نباشد و برای نسبتش خارجی که با آن مطابقت کند یا نکند، نباشد» (رجائی، ۱۳۷۹: ۱۳۲). این مقوله نیز از پرجاذبه‌ترین و دقیق‌ترین مباحث بلاغت است که در قرآن مجید به انحای مختلف مشاهده می‌شود.

۲- بیان

بیان «علمی است که بدان کیفیت ایراد معانی واحد به طریقی که مختلف باشد، شناخته می‌شود. در وضوح دلالت بر آن معنی پس از رعایت مقتضای حال.» (همان: ۲۳۹) و موضوع بیان، بحث در صورت‌های مختلف خیال یعنی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه است (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۵). نکته‌یابی‌های میبیدی در این باره نیز کم نیست.

از جمله صنایع بدیعی که در متون ادبی زیاد به کار رفته تشبیه و استعاره است. تأثیری که این دو صنعت در آرایش سخن و تنوع شیوه بیان دارد، موجب شده که نویسندگان و شاعران توجه زیادی به آن کنند و با ایجاد تشبیه‌های زیبا و استعاره‌های بدیع، گوناگونی مطلوب و تجدد ذوق‌پسندی در کلام خود به وجود آورند و طراوت و حلاوتی بدان بخشند.

آنچه در کشف‌الأسرار از جنبه هنرنمایی جلب توجه می‌کند بعد از سجع‌ها، تشبیهات و استعاراتی است که به صورت اضافی به کار رفته‌اند. توضیح اینکه «میبیدی گاه که به توصیف شخصی یا مجسم کردن منظره و حالتی یا شرح واقعه‌ای می‌پردازد چون قلمش آزاد است و مجال تفنن و اظهار هنر دارد به صنعتگری دست می‌یازد و مخصوصاً اضافه راسته در مدنظر خواننده قرار می‌دهد.» (رکعی،

این تشبیهات و استعارات اکثر بدیع و بکر است و با نوع تشبیه و استعاره‌های معمول بین منشیان درباری و شاعران فرق دارد. گرچه موضوع سخن (که مسائل دینی و عرفانی باشد) مؤثر در این تنوع و تفاوت بوده است، اما قدرت تخیل و مهارت نویسنده مهم‌ترین عامل این گوناگونی و تازگی است. مخصوصاً در مواردی که اصطلاحات دینی و عرفانی و حتی آیات قرآنی را به کار می‌گیرد و به صورت مضاف‌الیه می‌آورد، هنرمندی و نیرومندی وی بیشتر نمودار می‌شود؛ زیرا «در عین ایراد تشبیهات و استعارات بدیع بیایی، بلاغت سخن از دست نرفته و مقصود و معنی، فدای هنرنمایی نشده و از روانی و شیوایی عبارات کاسته نشده است، بلکه نویسنده با چیره‌دستی پرده‌ای رنگین از نقش‌های بدیع دلربا ترسیم می‌کند، چنانکه چهره مراد را به کمال و جمال تمام بنماید و نظارگان را دل رباید» (شریعت، ۱۳۶۳: ۶۲).

از سوی دیگر، از گونه‌های مختلف تشبیه آن چه بیشتر در کشف‌الاسرار به چشم می‌خورد، تشبیه اسنادی و تشبیه ترکیبی است. «تشبیه اسنادی از اسناد مشبه و مشبه‌به با یک دیگر به دست می‌آید و تشبیه ترکیبی از ترکیب اضافی یا وصفی طرفین تشبیه حاصل می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۴۵) استعاره نیز از دیگر نمونه‌های محاکات است که در کشف‌الاسرار موارد فراوانی دارد، به ویژه استعاره تشخیصی که در آن جان‌بخشی مدنظر است.

شکل غالب کاربرد استعاره در نثر نوبت سوم کشف‌الاسرار، ترکیبات استعاری است. در تعریف ترکیب یا اضافه استعاری گفته‌اند: «آن است که مضاف در غیر معنی حقیقی خود استعمال شده باشد؛ مانند روی سخن، گوش هوش، دست روزگار، دیده دهر. در این نوع، مضاف‌الیه به شخص یا شیء تشبیه شده ولی مشبه‌به مذکور نیست و به جای آن یکی از لوازم یا اجزای وی آمده است... در اضافه استعاری مقصود از اضافه غالباً مضاف است» (معین، ۱۳۶۳: ۲۴۸)

در نثر عرفانی میبیدی، اضافات استعاری همراه اضافات تشبیهی، در هیأت خوشه‌ای از تصاویر درون یک ساختار مرکب تصویری قرار دارد. از این طریق است که میبیدی جهانی انتزاعی را با تصویرهای هم‌بسته و در پیوند با هم خلق می‌کند. این جهان ذهنی انتزاعی با جهان بیرون از ذهن، پیوند مستقیمی ندارد بلکه ذهن و زبان عارف آن را می‌آفریند تا اندیشه‌ها، عواطف و تجربیاتش را بیان کند. درباره رابطه واقعیت و استعاره گفته شده که: «استعاره با کنار هم آوردن عناصری که کنش و واکنششان بُعد جدیدی به هر دو می‌بخشد، واقعیت جدیدی خلق می‌کند و آن واقعیت را در قالب زبان حفظ می‌کند؛ زیرا آن را به این ترتیب در دسترس همه کسانی قرار می‌دهد که بدان زبان سخن می‌گویند.» (هاوکس، ۱۳۸۰: ۹۵)

بدیع

بدیع چنانکه قدما گفته‌اند علمی است که از وجوه تعیین کلام بحث می‌کند و منظور از آن مجموعه شگردهایی است (بحث از فنونی) است که کلام عادی را کم و بیش تبدیل به کلام ادبی می‌کند و یا کلام ادبی را به سطح والاتری (از ادبی بودن یا سبک ادبی داشتن) تعالی می‌بخشد.

بدیعی در اصطلاح ادبی، عبارت است از دانش، شناخت و به کارگیری زیبایی‌ها و آرایه‌های خاصی که سبب جذابیت و افزایش تأثیر سخن منظوم و منثور در خواننده می‌شود (رجائی، ۱۳۷۹: ۲۹۰). یکی از آرایه‌های خاص تشقیق است که مقصود از آن این است که «میبدی برای موضوعی که در آیه آمده شقوق و انواعی ذکر می‌کند، سپس به شرح و بیان یکایک آن شقوق می‌پردازد و به مناسبت آیه یا حدیث یا شعری نقل می‌نماید و از این راه مضمون آیه عنوان شده را بسط می‌دهد» (قاسم پور، ۱۳۸۱: ۲۴۹). در این مورد نیز اکثر جمله‌ها به سجع ختم می‌شود و کوتاه و موزون است و گاه هم ساده و روان است. نمونه‌های تشقیق کمتر از تأویل و توضیح است. اینک به‌عنوان مثال شاهد زیر ذکر می‌شود:

«الذین یذکرونَ اللهَ قیاماً و قعوداً و علی جنُوبهم» ذاکران سه کس اند: یکی الله را به زبان یاد کرد و به دل غافل بود این ذکر «ظالم» است که نه از ذکر خبر دارد نه از مذکور. دیگری او را به زبان یاد کرد به دل حاضر بود، این ذکر «مقتصد» است و حال مزدور. در طلب ثواب است و در آن طلب معذور. سیم او را بدل یاد کرد دل از او پرو زبان و از ذکر خاموش مَن عَرَفَ اللهَ کلِّ لِسانه. این ذکر سابق است که زبانش در سر ذکر شد و ذکر در سر مذکور. دل در سر مهر شد و مهر در سر نور. جان در سر عیان شد و عیان از بیان دور. ذکر دام نهاد و غیرت دانه ریخت. مزدور دام دید بگریخت، عارف دانه دید بر دام آویخت.

از جمله وسائلی که مریبان اخلاق برای تزکیه نفوس و تربیت قوای معنوی بشر به کار می‌برند، ذکر حالات و کلمات و سیره پیامبران و مردان خداپرست و ارسته است که در حقیقت به منزله ارائه مصادیق تعلیمات اخلاقی است. «صوفیان نیز برای تذهیب نفس سالکان و ترغیب آنان به ریاضات و تحمل مشقات راه سلوک از این وسیله بسیار استفاده نموده‌اند و گفتار و کردار مشایخ و اقطاب خود را مطاوی کتب به نظم و نثر بیان کرده‌اند. چنان‌که کتابی از این گروه نمی‌توان یافت که خالی از سخنان یا اخلاق و رفتار بزرگان‌شان باشد» حدیقه‌الحقیقه سنایی و مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی مشحون است به داستان‌هایی پندآموز از پیشوایان دین و بزرگان طریقه تصوف و اسرارالتوحید و تذکره‌الاولیاء کتاب‌هایی است مستقل در این باب (صفا، ۱۳۶۷: ۳۴۵).

از دیگر آرایه‌ها که میبدی در موارد مختلفی از کتاب خود به اشعار عربی و فارسی استناد جسته است، تلمیح است.

از این مشتوی ریاست‌جوی رعنا هیچ نگشاید
مسلمانی ز سلمان جوی و درد دین ز بودردا
(سنایی، ۱۳۸۲: ۳۶۹/۸)

دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی
یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی
(همان: ۲۳۲/۸)

باد جوی مولیان آید همی
بوی یار مهربان آید همی
(رودکی: ۵۷۴/۱۰)

کم کن برِ عندلیب و طاووس درنگ کاین جا همه بانگ بینی آنجا همه رنگ

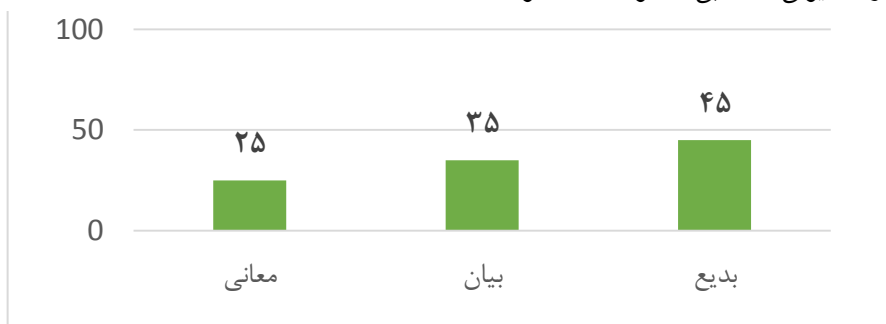
(سعد سلمان، ۱۳۸۴: ۷۱۸)

هرکسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد درد باید پرده‌سوز و مرد باید گام‌زن

(سنایی، ۱۳۸۲: ۸۰/۶۳۳)

تصوف با دل و احساسات و امور ذوقی مناسب و همراه است؛ لذا صوفیان به شعر که زبان دل و ترجمان احساسات است عنایتی خاص داشته‌اند و از دیرباز میانشان رایج بوده و به عنوان وسیله قاطعی برای تلطیف ذوق و برانگیختن عواطف سالکان از آن استفاده می‌کرده‌اند. در خاتمه‌ها برای اظهار وجد و شوق خوانده می‌شده و در هنگام مجلس گفتن برای رونق محفل و تأیید سخن ایراد می‌شده است.

با توجه به آنچه گفته شد در خصوص ویژگی‌های ادبی تفسیر کشف الاسرار در ۳ بخش معانی، بیان و بدیع به صورت نمودار در ذیل ارائه می‌گردد:



نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی هنجارگریزی، بیان، بدیع و معانی در کشف‌الاسرار میبیدی انجام شده است. ویژگی‌های ادبی این اثر موجب شده که نویسندگان و شاعران توجه زیادی به آن کنند. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که کشف‌الاسرار دارای نمونه‌های نابی از هنجارگریزی‌های معنایی و نحوی است از سوی دیگر در بخش ویژگی‌های ادبی (در نوبت سوم)، حدود ۲۵ درصد از علم معانی، ۳۵ درصد از علم بیان و ۴۵ درصد از علم بدیع در تفسیر کشف‌الاسرار به کار رفته است که این آمار نشان از آن دارد که جنبه‌های بدیعی در نوبت سوم تفسیر کشف‌الاسرار نمود بیشتری دارد و برعکس، میبیدی در این نوبت از تفسیر ارزشمند خود، به علم معانی کمتر نظر داشته است؛ بنابراین با توجه به آنچه که ذکر شد، می‌توان گفت تفسیر کشف‌الاسرار از جنبه سبک نویسندگی و خصوصیات دستوری، نموداری روشن از تحول طبیعی زبان است.

منابع

- قرآن مجید
- احمدی، بابک (۱۳۷۹)، ساختار و تأویل متن، چ پنجم، تهران: مرکز.
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۶)، سفر در مه، تهران، زمستان.
- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۷۹). معالم البلاغه در علم معانی و بیان، چاپ پنجم، مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- زکبی، محمدمهدی. (۱۳۷۲)، لطایفی از قرآن کریم (برگزیده از کشف‌الاسرار و عده‌الابرار تألیف رشیدالدین میبیدی)، چاپ ششم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- راستگو، سید محمد (۱۳۶۸)، ساعتی با عقلاء المجانین، نشر دانش خرداد، تیرماه، شماره ۵۲.
- رودکی، ابوعبدالله (۱۳۹۳)، دیوان رودکی سمرقندی، انتشارات نگاه.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۸۲)، دیوان سنایی غزنوی، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: هرمس.
- سعد سلمان، مسعود (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات نگاه.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۶۳)، فهرست تفسیر کشف‌الاسرار، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۷)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ هشتم، تهران: فردوس.
- علوی مقدم، محمد و اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۸۴)، معانی و بیان، چاپ ششم. تهران: سمت.
- عبادیان، محمود (۱۳۷۲)، درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، تهران: جهاد دانشگاه.
- فولادی، علیرضا. (۱۳۸۷)، زبان عرفان: تهران: فراگفت.
- قاسم‌پور، محسن. (۱۳۸۱)، پژوهشی در جریان‌شناسی تفاسیر عرفانی، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی ثمین.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹)، تفسیر و مفسران، ۲ جلدی، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- معین، محمد، (۱۳۶۳)، اضافه، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین، (۱۳۷۶)، کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، سه جلدی، به کوشش علی‌اصغر حکمت، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۸)، نظم/شعر کلاسیک/دیوان، تهران: کتابخانه سنایی.
- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۸۱)، «کشف یک واقعیت درباره نقش‌های زبان»، مجله زبان‌شناسی، سال ۱۷، شماره ۲.
- هاوکس، ترنس، (۱۳۸۰)، استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.